

اشاره:

ایجاد تسهیلات مناسب برای رشد صادرات غیرنفتی و کاستن از وابستگی درآمدهای ارزش کشور از صدور نفت، از اهداف عمده اقتصاد کشور است که در سال‌های اخیر به شکل‌های مختلف کمابیش مورد نظر بوده است. با این وجود در دو سال گذشته با اتخاذ سیاست‌های نوین برای بازگرداندن ارز حاصل از صادرات غیرنفتی به اقتصاد ملی، رشد صادرات غیرنفتی تا حدودی متوقف گردید. هنوز هم کمابیش بازرگانان این سیاست‌ها را مورد انتقاد قرار می‌دهند و آنها را مانعی برای توسعه فعالیت‌هایشان در بازارهای خارجی تلقی می‌کنند.

کارشناسان بخش دولتی نیز اجرای سیاست‌های تازه را برای نظارت دقیق بر انتقال سرمایه و ارز ضروری می‌دانند. به هر حال دیدگاه‌ها درباره سیاست‌های تجاری متفاوت است.

خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» در گفت‌وگو با دکتر محمدرضا رفعتی، عضو هیأت پژوهشی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، مزایا و معایب سیاست‌های رایج تجارت خارجی را مورد پرسش قرار داده است که پاسخ‌های ایشان را در این شماره می‌خوانیم.

پیمان ارزی از خروج ارز از اقتصاد کشور جلوگیری می‌کند

سیستم بانکی ارزان‌تر از نرخ واقعی است و نرخ سود بانکی پایین‌تر از میزان تورم می‌باشد. در چنین شرایطی که امنیت سرمایه نیز به‌طور کامل برقرار نمی‌باشد، سرمایه‌ها تمایل به خروج از اقتصاد ملی دارند. این در حالی است که دولت به‌منظور بازگرداندن بخشی از ارز حاصل از صادرات غیرنفتی به اقتصاد کشور مجبور شده است پیمان ارزی از صادراتکنندگان بگیرد و صادرکننده نیز با دادن بخشی از ارز حاصل از صادرات خود به سیستم بانکی مخالفت می‌ورزد.

○ علت واقعی مخالفت صادرکنندگان با سپردن پیمان ارزی آن است که آنها مجبور هستند ارز حاصل از صادراتشان را به نرخ غیرواقعی به سیستم بانکی بفرروشند.

■ **صادرکنندگان نرخ ارز صادراتی (هر دلار معادل ۳۰۰۰ ریال) را ناچیز می‌دانند و می‌گویند که با این نرخ ضرر می‌کنند.**

نظر جناب‌عالی در این زمینه چیست؟

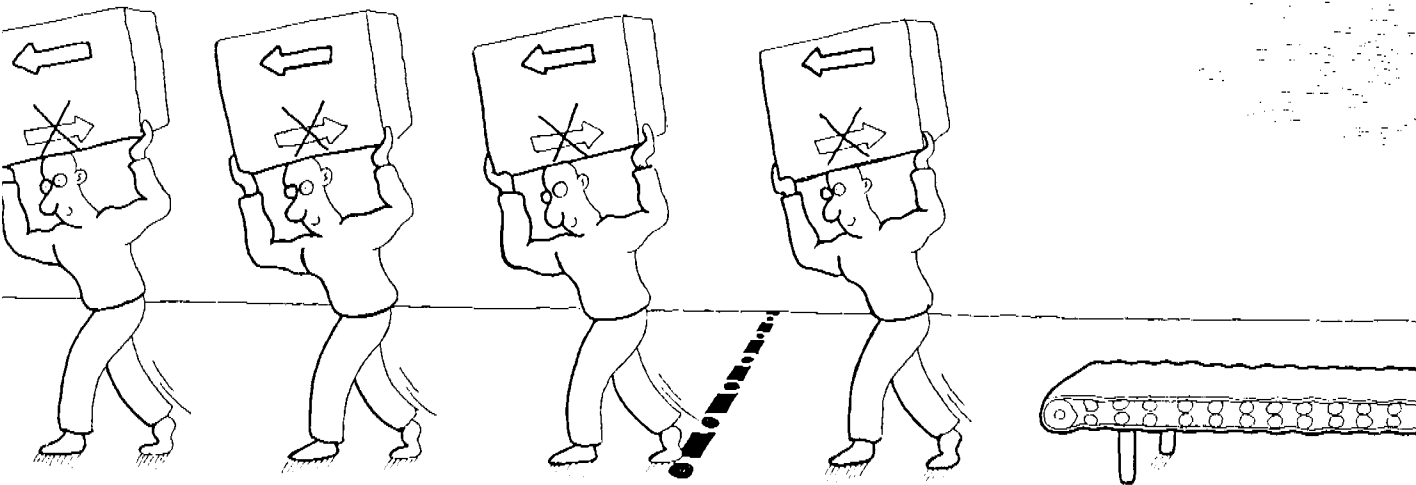
□ معتقد نیستم که با نرخ ارز صادراتی (هر دلار ۳۰۰ تومان) تمام صادرکنندگان متضرر می‌شوند، زیرا کالاها از

■ **به‌نظر جناب‌عالی علت آنکه برخی صادرکنندگان با سپردن پیمان ارزی به سیستم بانکی مخالفت دارند، چیست و از کجا نشأت می‌گیرد؟**

لا مخالفت برخی صادرکنندگان با «اصل پیمان‌سپاری» نیست، بلکه علت واقعی مخالفت آنها از آنجا ناشی می‌شود که مجبور هستند ارز حاصل از صادرات خود را به قیمتی که واقعی نیست به سیستم بانکی بازگردانند. اگر نرخ ارز به‌طور واقعی تعیین می‌شد، برای بازگرداندن آن به سیستم بانکی هیچ‌گونه مخالفتی وجود نداشت.

از سوی دیگر، برخی صادرکنندگان به ارز حاصل از صادراتشان، برای واردات مواد اولیه کالاهای صادراتی خود، نیاز دارند. آنها مجبور هستند ارز حاصل از صادرات خود را با نرخ صادراتی در اختیار سیستم بانکی بگذارند و برای استفاده از بخشی از آن برای واردات اقلام مورد نیازشان، مراحل اداری (بورورکراسی) بانکی را تحمل کنند. این امر سبب شده که این‌گونه صادرکنندگان با موضوع «پیمان‌سپاری» مخالفت کنند.

البته شرایط کنونی اقتصاد کشور به‌گونه‌ای است که خروج سرمایه در آن وجود دارد و در ضمن نرخ ارز صادراتی در

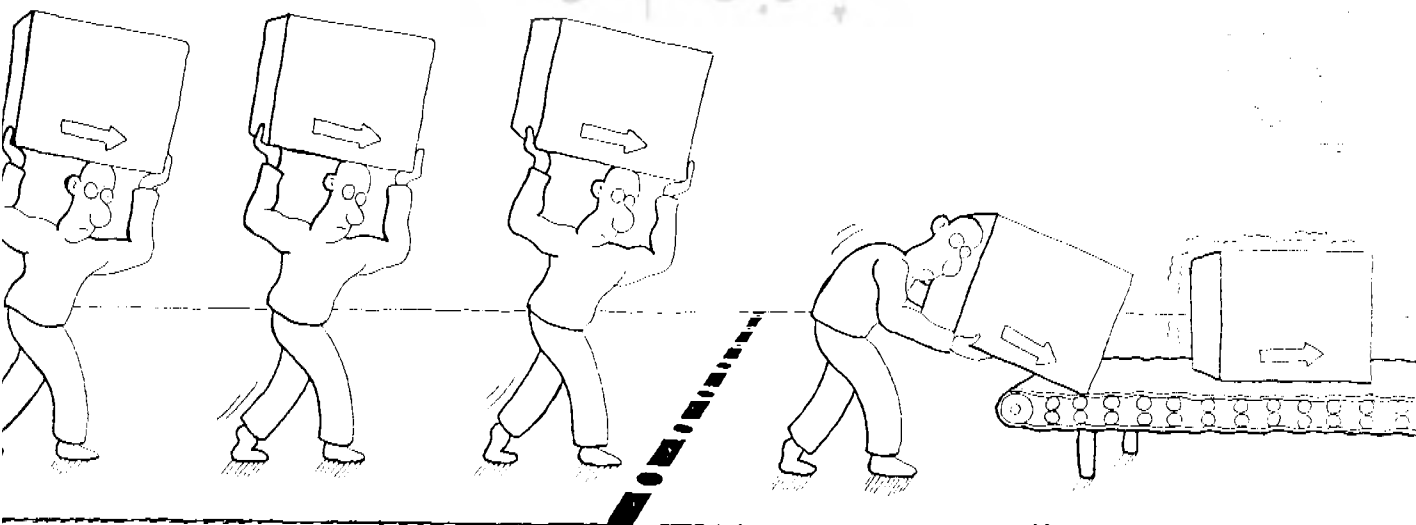


○ با نرخ کنونی ارز صادراتی، صادرکنندگان حرفه‌ای و کارآ می‌توانند کالاهایشان از جمله فرش دستباف را با حداقل هزینه صادر کنند.

■ صادرکنندگان با اشاره به دشواری‌های مقررات واردات در مقابل صادرات، آن را مورد انتقاد قرار می‌دهند. به نظر جنابمالی مشکلات واقعی موجود در این زمینه کدامند؟

با اصولاً صادرکننده خود واردکننده نمی‌باشد. با این وصف صادرکنندگان باید امکان انتقال ارز حاصل از صادرات به واردکنندگان آکاد و کارآ را داشته باشند. اما این انتقال برای آنکه بازار ارز غیرمجاز به وجود نیاید و از دلال‌بازی جلوگیری شود، باید فقط یک بار قابل انجام باشد. در این زمینه بهتر است شرایط «یکبار انتقال ارز» برای واحدهای تولیدی نیازمند

نظر قدرت رقابت و مزیت نسبی در سطح‌های مختلف قرار دارند. برخی کالاها با نرخ کنونی ارز صادراتی می‌توانند رقابت کنند و صادر شوند. بنابراین نرخ کنونی برای تمام کالاها مردود نیست و صادرکنندگان حرفه‌ای و کارآ می‌توانند با این نرخ برخی کالاها از جمله فرش دستباف را با حداقل هزینه صادر کنند. البته این بحث صحیح است که نرخ کنونی قابل دوام نیست، زیرا زمانی که تورم ۲۰ تا ۵۰ درصد در جامعه وجود دارد، نرخ مؤثر ارز برای کالاهایی که ۱۰۰ درصد ارز حاصل از صادراتشان برای واردات در مقابل صادرات منظور می‌گردد، بیش از ۵۰۰۰ ریال (برای هر دلار) و برای کالاهایی که ۵۰ درصد ارز حاصل از صادراتشان برای واردات در مقابل صادرات استفاده می‌شود، حدود هر دلار معادل ۴۰۰۰ ریال است. نرخ کنونی ارز صادراتی (هر دلار معادل ۳۰۰۰ ریال)، نرخ اسمی است و وجود خارجی ندارد. در میان مدت نرخ هر دلار برابر با ۲۰۰۰ ریال به دلیل شرایط تورمی، باید تغییر کند.



تا از آنجا که فرش دستباف از اقلام عمده صادرات کشور بوده و با کاهش شدید صادرات در اثر سیاست‌های تنظیم بازار مواجه شد، نیاز به حمایت از سوی دولت داشت و این تسهیلات برایش فراهم شد. اما من به چنین اختلافی اعتقاد ندارم. در اقتصاد، شرایط برای همه باید مساوی باشد تا رقابت ایجاد شود و تمام منابع و امکانات به سمتی حرکت کند که بیشترین کارایی را دارد. اگر کشاورزی بیشترین کارایی را داشته باشد، باید بیشتر از دیگر بخش‌ها رشد کند. لذا صنعت کشاورزی و فرش باید از شرایط مساوی برخوردار باشند. مگر آنکه دولت به لحاظ تورم ملاحظاتی داشته باشد.

در شرایط کنونی به نظر می‌رسد که حمایت از صادرات فرش، مصنوعی است و لازم است همه کالاها از تسهیلات مساوی و یک نرخ ارز استفاده کنند.

○ در اقتصاد، شرایط برای همه باید یکسان باشد تا رقابت ایجاد شود و منابع اقتصادی به سمتی حرکت کند که بیشترین کارایی را داشته باشد.

اما اصل ماجرا این است که با نرخ ارز صادراتی (هر دلار معادل ۲۰۰۰ ریال)، راهبرد توسعه صادرات را باید فراموش کرد. با چنین نرخی باید ارایه تسهیلات برای صدور کالاهای مختلف یکسان باشد. مشکل اصلی، نرخ ارز غیرواقعی است و خیلی از کالاها با این نرخ قدرت رقابت در بازار خارجی را ندارند. در عین حال دولت حاضر نیست که نرخ ارز صادراتی را تغییر دهد و برای آنکه صادرکننده کمتر ضرر کند، سیاست واردات در مقابل صادرات را در نظر گرفته است.

■ در اجرای سیاست واردات در مقابل صادرات نیز تسهیلات ویژه‌ای برای تجار معامله‌کننده با کشورهای آسیای میانه منظور شده است. آیا این تفاوت (نسبت به دیگر بازارها) قابل قبول است؟

□ تسهیلات ویژه‌ای که به تجار معامله‌کننده با کشورهای آسیای میانه داده شده، در کوتاه‌مدت قابل توجیه است. زیرا بازار آسیای میانه یک فرصت استثنایی است و باید به سرعت در این بازار نفوذ کرد و از آن استفاده نمود. این تسهیلات آثار مثبت بعدی برای حضور در بازار آسیای میانه دارد. حضور فعلی تجار ایرانی در بازار آسیای میانه، زمینه‌ساز نفوذ بیشتر آنها در این بازارها در آینده است.

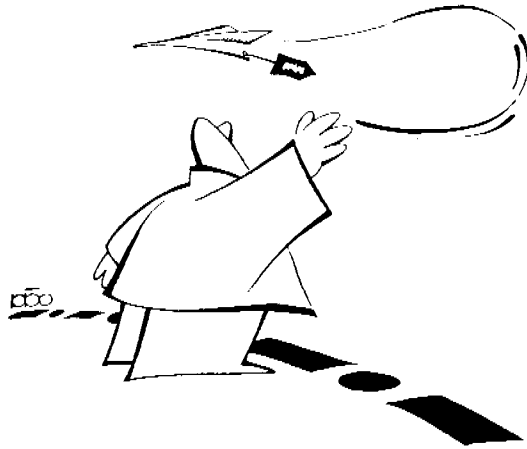
○ تسهیلات ویژه‌ای که به تجار معامله‌کننده با کشورهای آسیای میانه داده می‌شود، در کوتاه‌مدت قابل توجیه است و با نفوذ بیشتر تجار ایرانی در این بازارها و استمرار حضور آنها به تدریج باید حذف شود.



واردات مواد اولیه، به وجود آید. این امر سبب می‌شود که واسطه‌ها حذف شوند. اگر ارز فقط یک بار انتقال پیدا کند و واردکننده کالاهای مشمول فهرست وزارت بازرگانی (۲۹ قلم) را وارد کند و در اختیار مصرف‌کنندگان واقعی قرار دهد، مشکل تا حد زیادی حل می‌شود. البته تا زمانی که سیستم «کنترلی» است و محدودیت ارز وجود دارد، این‌گونه مشکلات وجود خواهد داشت.

○ نرخ واقعی ارز برای صادرات فرش بیش از هر دلار برابر با ۵۰۰۰ ریال و برای دیگر کالاها حدود ۴۰۰۰ ریال است.

■ طبق ضوابط موجود صادرکنندگان فرش از ۱۰۰ درصد و صادرکنندگان کالاهای کشاورزی و صنعتی از ۵۰ درصد ارز حاصل از صادرات خود برای واردات کالاهای مجاز می‌توانند استفاده کنند. آیا این تفاوت برخورداری از درآمد ارزی منطقی است؟



برخی کشورها مانند ترکیه اعتبارات دلاری زیادی برای ورود تجار خود به بازار آسیای میانه می‌دهند تا کالاهایشان در این بازارها به فروش رسد. برای آن که از رقبا عقب نمانیم لازم است از تجار خود در بازار آسیای میانه به‌طور همه‌جانبه حمایت کنیم.

○ نرخ پیمان ارزی و قیمت‌گذاری کالاهای صادراتی باید با توجه به شرایط روز بازار جهانی تعیین شود تا ارز به‌طور طبیعی به اقتصاد کشور بازگردد. در بلندمدت باید تمام سیستم اقتصادی اصلاح شود.

در کوتاه‌مدت باید امتیازهای ویژه برای حضور تجار در بازار آسیای میانه قایل شد و از تجار خواست که از این امتیازها برای حضور در بازار و نفوذ در آن استفاده کنند و پس از آن که حضور تجار در این بازارها استمرار یافت، به تدریج تسهیلات ویژه حذف شود. اما در بازارهایی مانند آلمان برای کالاهای سنتی نظیر فرش و پسته به این‌گونه تسهیلات نیازی نیست، زیرا حضور تجار در این بازار استمرار دارد.

البته ارایه تسهیلات ویژه به بازارهای آسیای میانه این خطر را نیز در پی دارد که اگر هزینه حمل را در نظر نگیریم، برخی صادرکنندگان با استفاده از تسهیلات ابتدا کالای خود را به کشورهای آسیای میانه صادر می‌کنند و سپس آن را به دیگر کشورها دوباره صادر می‌نمایند. دولت باید این موضوع را در نظر بگیرد.

■ تا چه حد اجرای سیاست واردات در مقابل صادرات و

اخذ پیمان ارزی از صادرکنندگان ضروری به نظر می‌رسد؟

□ باید در جهتی حرکت کرد که شرایط عادی برقرار شود و به سیاست‌های واردات در مقابل صادرات یا پیمان ارزی نیاز نباشد. اگر بازار تنظیم و کنترل شود، نرخ تورم پایین، نرخ ارز معقول و امنیت سرمایه‌گذاری برقرار باشد، صادرکننده ارز حاصل از صادراتش را خود به کشور بازمی‌گرداند، چون در برابر آن «ریال واقعی» دریافت خواهد کرد. باید عوامل بنیادی درست شود تا محدودیت‌ها از بین برود. برای توسعه صادرات، این‌گونه سیاست‌ها (واردات در مقابل صادرات و پیمان ارزی) اصولی عمل نخواهد کرد.

زمانی که پیمان ارزی برقرار شد، صادرات کالا کاهش یافت و علت آن نیز غیر واقعی بودن پیمان است. البته اگر واردات در

مقابل صادرات به صورت ۱۰۰ درصد انجام شود و نرخ پیمان و قیمت‌گذاری کالا واقعی باشد، هر دو سیاست ضروری است. نرخ پیمان و قیمت‌گذاری کالا با توجه به شرایط روز بازار جهانی باید تعیین شود، تا ارز به‌طور طبیعی به اقتصاد کشور برگردد. این موارد در کوتاه‌مدت باید منظور شود و در بلندمدت تمام سیستم اقتصادی اصلاح شود. شرایط باید طوری فراهم شود که امنیت مالکیت به‌وجود آید، نرخ یکسان و واقعی ارز برقرار شود، نرخ سود بانکی قابل رقابت گردد تا سرمایه‌هایی که در داخل و خارج وجود دارد، سود قابل رقابتی به‌دست آورند. در این صورت فرار سرمایه و ارز وجود نخواهد داشت و سیاست‌های واردات در مقابل صادرات و دریافت پیمان ارزی، خودبه‌خود از بین می‌روند.

■ مزایای سیاست واردات در مقابل صادرات و سپردن

پیمان ارزی چیست؟

□ مزیت پیمان ارزی، جلوگیری از خروج ارز و بازگشت بخشی از ارز حاصل از صادرات به اقتصاد کشور است. مزیت مقررات واردات در مقابل صادرات نیز در شرایط حاضر، بالا رفتن نرخ مؤثر ارز است که صادرات کالا را تقویت می‌کند و به تاجر اجازه می‌دهد با نرخ ارز صادراتی کنونی درآمد بیشتری کسب کند و صادرات تا حدودی تضعیف نشود. از سوی دیگر فهرست کالاهای قابل ورود در مقابل صادرات که از سوی وزارت بازرگانی اعلام شده نیز سبب می‌شود که از

بنابراین وجود پیمان ضروری است، ولی باید قیمت‌گذاری آن صحیح و نرخ ارز صادراتی نیز معقول باشد.

در زمینه واردات در مقابل صادرات، باید در نظر داشت که اصولاً صادرکننده، خود واردکننده نیست و از واردات کالا به لحاظ نداشتن آگاهی کافی از بازارهای خارجی و فروش داخلی کالاهای وارداتی، متضرر می‌شود. در ضمن اگر کنترلی صورت نگیرد، واسطه‌گری شیوع پیدا می‌کند.

این دو سیاست در بلندمدت اقتصاد کشور را به جایی نخواهد رساند. باید شرایط کلی اقتصادی اصلاح شود تا این مقررات غیرضروری تلقی شود.

در اجرای سیاست واردات در مقابل صادرات باید در نظر داشت که «تورم» را با محدود کردن صادرات نمی‌توان مهار کرد. ریشه تورم در کسری بودجه دولت و شرکت‌های وابسته به آن و رشد نقدینگی است که باید هر دو اصلاح شود تا به سرعت میزان تورم کاهش یابد و در اثر امنیت سرمایه، واردات و صادرات، مسیر اصلی خود را بپیماید.

سیاست‌های محدودکننده مانند دریافت پیمان ارزی یا اجرای ضوابط واردات در مقابل صادرات، به هیچ‌وجه برای اقتصاد کشور مؤثر نیستند.

برای ورود کالاهایی مصرف شود که در بازار داخلی کمبود آن وجود دارد. البته باید روی سیستم اطلاع‌رسانی این فهرست کنترل دقیقی صورت گیرد تا تمام ارز برای واردات یک کالای خاص هدایت نشود.

○ **سیاست واردات در مقابل صادرات و پیمان ارزی در بلندمدت اقتصاد کشور را به جایی نمی‌رساند، بلکه باید شرایط کلی اقتصاد ملی اصلاح گردد و این مقررات غیرضروری تلقی شود.**

■ **معایب سیاست واردات در مقابل صادرات و پیمان ارزی را نیز ذکر بفرمایید.**

□ اگر قیمت پیمان (بر مبنای نرخ ارز صادراتی) واقعی نباشد، نه تنها به هدف اصلی که رشد صادرات است، دست نمی‌یابیم، بلکه به صادرات لطمه می‌زند. با این وصف قیمت‌گذاری کالا برای دریافت پیمان ارزی از صادرکننده باید با توجه به قیمت‌های بازار جهانی، همخوانی داشته باشد. قیمت‌های جهانی نیز بر مبنای عرضه و تقاضا بالا و پایین می‌روند. این موضوع از معایب بزرگ سیستم پیمان ارزی است. در شرایط کنونی اگر اخذ پیمان ارزی حذف شود، بخشی از ارز حاصل از صادرات به اقتصاد کشور بر نمی‌گردد.

